

”

ایجاد هویتی کردستانی در دیاسپورا:

مهاجران کرد در سوئد*

برزو الیاسی

مترجم: کامران تیموری

“

بیش از ۷۰ هزار کورد در نتیجه‌ی محرومیت و سیاستهای تبعیض آمیز سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در خاورمیانه به سوئد مهاجرت کرده‌اند، جایی که در آن به چهارچوب سیاسی دموکراتیکی برای زنده نگهداشتن هویت کردیشان دست یافته‌اند. بسیاری از کوردها در سوئد به تدریج هویتی کردستانی ایجاد کرده‌اند و احساس می‌کنند که هویت‌های ایرانی، عراقی، ترکی و سوری معرف آنها نیستند. دیاسپورای کردی در سوئد در بین تجربه‌هایی مبنی بر پذیرش و انکار، حقوق شهروندی و تبعیض قومی، تعلق و عدم تعلق در نوسان هستند. فصل پیش رو، بخشی از کار میدانی انجام شده در سوئد به عنوان بخشی از پروژه تحقیقی مربوط به مفهوم بندی دوباره دیاسپوراهای بی دولت در اتحادیه اروپا است که به شکل گیری دیاسپورای کردی در سوئد می‌پردازد.

بحث بر سر هویت‌های چندگانه

کوردها در سوئد تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر جامعه سوئد گذاشته‌اند و در حال دست یافتن به موقعیتی برجسته در شکل گیری مسائل مختلف اجتماعی در سوئد هستند. شخصیتها و نویسندگان کوردی همچون لاوین مهندی (Lawen Mohtadi)، دلسا دمیربگ (Dilsa Demirbag)، مصطفی جان (Mustafa Can) و استندآپ کمدیپهایی مانند سوران اسماعیل و اوز نوژن (Ozz Nujen)، اغلب در عرصه عمومی ظاهر می‌شوند و به مسائل اجتماعی و سیاسی ورود می‌کنند. اقدامات این شخصیت‌های کردی - سوئدی، در عرصه عمومی، می‌تواند به عنوان تلاش برای شکل دادن به یک ذهنیت جدید ملی در سوئد فارغ از ایده‌های ثابت مربوط به سوئدی بودن در ارتباط با ظاهر، فرهنگ، تاریخ، مذهب،

جنس و غیره، تلقی شود. اهمیت این شخصیت‌های عمومی کردی را باید در این واقعیت جستجو کرد که آنها درگیر ایجاد روایت‌هایی درباره هویت سوئدی و تجارب مهاجران به واسطه دسترسی‌شان به آنها و قدرت در مناظرات عمومی هستند.

با وجود این، درگیر شدن آنها در مناظرات عمومی سوئد، آنها را نسبت به وضعیت سیاسی کردها بی تفاوت ساخته است. اعضای دیاسپورای کردی، هم بر فرهنگ سیاسی دموکراتیک موجود در سوئد تاکید دارند هم بر نابرابری‌های هر روزه ساختاری و قومی که مانع از برخورداری مهاجران غیر اروپایی از حقوق کامل شهروندی می‌شود. مهاجران کرد بین سوئدی بودن بر روی کاغذ و یک سوئدی واقعی تمایز آشکاری قائل می‌شوند.

هویت مهاجر هم یک هویت تحمیل شده است هم یک هویت تجربه شده، زیرا سوئدی‌های اصیل هر روز در زندگی روزانه، تفاوت‌های فرهنگی ناخواسته و گاهی اوقات نامانوس مهاجران را به آنها یادآوری می‌کنند. به عنوان مثال، بسیاری از آنها روزانه در مدرسه، بازار کار، واحدهای مسکونی محل زیست و دستگاه قضایی، تهمتهای نژادی و تبعیض‌های قومی را تجربه می‌کنند. تبعیض قومی، هویت کردی آنها را تقویت می‌کند و آنها را از این واقعیت آگاه می‌سازد که آنها به طور کامل از طرف جامعه سوئدی مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند. ورزش، عرصه دیگر مهم موفقیت برای کردهاست Dalkurd FF (دال کورد اف اف)، یک باشگاه فوتبال است که در سال ۲۰۰۴ پایه‌گذاری شد و اکنون جزو سه تیم برتر سوئد است. با وجود این که باشگاه تازه تاسیسی است اما در فیسبوک تبدیل به بزرگترین باشگاه فوتبال سوئد شده است. پیج فیسبوکی طرفداران دال کورد در ۱۱

فوریه ۲۰۱۵ بیش از ۷۸۵،۴۸۷ لایک خورده است. نام دال کورد جالب است زیرا هویت کوردی را به Dalarna (دالارنا)، منطقه ای در سوئد ربط می دهد. این امر نشانه هویتی فراملی است که سوئد را به کردستان پیوند می زند و از سویی دیگر هویت کردی را در سوئد، منطقه ای می سازد. باشگاههای دیگر مانند Uppsalakurd (اوپسالاکورد) و Skanekurd (سکانکی کورد) تاسسیس شده اند تا پا جای پای دالکورد بگذارند. فوتبال، ورزشی جهانی است و عرصه ای است که در آن کردها می توانند در عرصه بین المللی دیده شوند و به رسمیت شناخته شوند، همچنین می تواند نشان دهنده هویت سرکوب شده آنها از سوی دولت‌های ناسیونالیست موجود در خاورمیانه باشد.

تغییر از «کورد» به «کوردستانی»: ایجاد هویتی کردی در فضای مجازی

دو نوجوان کرد - سوئدی با راه اندازی یک کمپین فیسبوکی در سال ۲۰۱۴ تحت عنوان (من کوردستانی هستم)، در پی ایجاد یک هویت کردستانی در فضای مجازی برآمدند. در پیج فیس بوکی آنها، کردهایی از سراسر دنیا عکسهایشان را پست می کردند و اعلام می کردند که آنها کردستانی هستند.

هنرمندان مشهور کرد، شاعران، شخصیت‌های عرصه عمومی و سیاستمداران همگام با افراد عادی کرد در سراسر جهان در این کمپین شرکت می کنند. یکی از این دو نوجوان در پاسخ به این پرسش من، که هدف آنها از راه اندازی این کمپین چه بوده است، چنین پاسخ داد: ما نباید بگوییم که عراقی، ترک، ایرانی یا سوری هستیم و نیز نباید بگوییم که کرد عراقی، کرد ایرانی، کرد ترکیه یا کرد سوری هستیم. ما نباید عناوینی

را که دولتهای اشغالگر برای ما تعریف کرده اند قبول کنیم. بلکه باید بگوییم که ما کردستانی هستیم، سرزمین ما کردستان است و این کردستان است که همه کردها را متحد می سازد. این کار باعث می شود که ما کردها از هم شناخت بهتری داشته باشیم و احساس نزدیکی بیشتری نسبت به هم داشته باشیم. به فلسطینیها نگاه کنید، آنها هرگز نمی گویند که ما اسرائیلی هستیم بلکه همیشه می گویند که ما فلسطینی هستیم و فلسطینی خواهیم ماند. اما ما کردها با تعاریفی که دشمنانمان از ما میکنند کنار می آییم و هویت کردی خود را فراموش می کنیم.

در حالیکه فرض بر این است که یک هویت کردی مربوط به قلمرو یا جغرافیای خاصی نیست، اما یک هویت کردستانی در پی ایجاد یک تصور و ذهنیت ملی در درون مرزهای جغرافیایی خاصی در خاورمیانه است. جغرافیا برای ایجاد یک هویت ملی نقشی کلیدی دارد زیرا هویت ملی معمولاً با قلمروها گره خورده است. برای کردها، هویت سرزمینی بخشی مهمی از مناقشه برای شناسایی، خودمختاری و حتی استقلال بوده است. بسیاری از کردها به خوبی آگاه هستند که در یک جهان شکل گرفته بر اساس دولت - ملتها، لازم است که هویت تو بر روی نقشه جهان باشد زیرا این جایی است که هویت تو نشان داده میشود، مشخص می شود و به جهان خارج معرفی می شود. کمپین «من کردستانی هستم» به طور واضح نشان می دهد که نامگذاری در ایجاد یک ذهنیت ملی جدید مهم است، اما نامگذاری و ادعای دوباره بر سرزمینهایی که ترکیزه، عربیزه و ایرانیزه شده و حضور کردها در آنها به حاشیه رانده شده نیز مهم است.

معنای نمادین اقلیم کردستان برای

دیاسپورای کردی

یکی از مسائل اصلی که دیاسپوراهای مختلف با آن در تعامل و کشمکش هستند، موضوع سرزمین مادری و بازگشت به آن است. ظهور یک شبهه دولت کردی در کردستان عراق، کردستان را برای مهاجران کرد تبدیل به یک ناحیه امن کرد که در آن میتوانند مانند یک کرد زندگی کنند بدون اینکه در معرض سیاستهای مبنی بر آسیمیلاسیون و سرکوب قومی باشند. ساخت فرودگاه در ههولیر(اربیل) و سلیمانی(سلیمانیه)، کردستان را به دیاسپورای کردی پیوند زده است. کردها از همه بخشهای کردستان از این منطقه دیدن می کنند زیرا به آن عنوان یک تجربه بی نظیر تاریخی و همچنین رهایی از سلطه عراق نگاه می کنند. کردها اغلب تجارب دردناک و اقدامات تحقیرآمیز نیروهای مرزی ترکیه را به یاد می آورند زمانی که کردهای مقیم دیاسپورا می خواستند از مرز ابراهیم خلیل بین بخش ترکیه ای کردستان و منطقه کردستان در عراق رد شوند. این به مثابه یک موضوع سیاسی در بین کردها تلقی می شد که در آن انکار هویت کردیشان را در ترکیه تجربه می کردند.

در حالیکه ترکیه معرف یک جغرافیای انکار بود، اقلیم کردستان نماد وجود کردها بود. این هویت کردی نه تنها برای کردهای عراق بلکه برای کردهای بخشهای دیگر کردستان نیز مهم است. تصور بسیاری از آنها این بود که یک بخش آزاد شده کردستان به آنها امید می دهد و برای آنها الهامگر این پیام است که آنها نیز می توانند به چنین درجه ای از خودگردانی برسند و از دولت های سرکوبگری که تحت سلطه آنها هستند، جدا شوند. در نتیجه، دیاسپورای کردی در سوئد محصولی از

محرومیت سیاسی و اقتصادی در خاورمیانه است. به لطف سیاستهای چندفرهنگی سخاوتمندانه سوئد، کردها می توانند خودشان را سازماندهی کرده و درگیر سیاست سرزمین مادریشان شوند بدون اینکه از جامعه سوئد جدا شوند. کردهای دیاسپورا نمی خواهند بین هویت کردی و سوئدیشان یکی را انتخاب کنند بلکه در عوض می خواهند بین آنها در یک رابطه ای مبتنی بر همزیستی، هماهنگی برقرار کنند. برای نسل جوانتر، این موضوع برای یک پروژه هویتی بسیار مهم است که تنها در ماهیت متنوع آن قابل درک است. ظهور اقلیم کردستان در عراق، باعث شد که کردها به سرزمین رویایشان، کردستان، نزدیکتر شوند. از آنجا که کردها در معرض اقدامات تبعیض آمیز در خاورمیانه قرار دارند، دیاسپورای کردی احتمالاً به صورت یک دیاسپورای سیاسی باقی می ماند و به منظور انگیزه بخشیدن به یک بسیج سیاسی فراملی، روایت یک قربانی را نشان می دهد. کردها در سوئد از موقعیت برجسته ای در این زمینه برخوردارند، زیرا بسیاری از آنها بیش از پیش بر این امر واقف خواهند شد که آنها برای آسیمیله شدن کامل، یا دست کشیدن از هویت کردی خود به سوئد نیامده اند؛ بلکه برای تداوم آن آمده اند، بدون اینکه واقعیت های زندگی روزمره شان در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سوئد را به حالت تعلیق درآورند.

*. Barzoo Eliassi. «Making a Kurdistan identity in Sweden: Kurdish migrants in Sweden.» In *Diasporas Reimagined: Space, Practices and Belonging*. Edited by N. Sigona, A. Gamlen, G. Liberatore and H. Neveu Kringelbach (Oxford: Oxford Diasporas Programme, 2015).

Barzoo Eliassi, PhD in social work and Associate Professor at Linnaeus University, Sweden.